در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۹۹
مقدمه اصول

جلسه 80

بسم الله الرّحمن الرّحیم
الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین

خلاصه مباحث گذشته

بحث در فرمایش مرحوم محقق اصفهانی (رحمه‌الله) و اشکالات مرحوم خوئی (رحمه‌الله) بر ایشان بود. اساس کلام مرحوم محقق اصفهانی (رحمه‌الله) و اکثر فلاسفه مبتنی بر این است که وجودی به نام وجود رابط در خارج داریم که حقیقت معنای حرفی از سنخ این وجود است و أضعف مراتب وجود می‌باشد.

عبارات مرحوم آخوند ملاصدرا (رحمه‌الله) در اسفار صریح در این مطلب است. همچنین مرحوم آقای طباطبائی (رحمه‌الله) در نهایة الحکمة نیز بعد از بیان وجود رابط و مستقل می‌فرماید: «و یتفرع علیه أمور: الأول أن الوعاء الذی یتحقق فیه الوجود الرابط ـ هو الوعاء الذی یتحقق فیه وجود طرفیه ـ سواء کان الوعاء المذکور هو الخارج أو الذهن.»[1]

حق همین است؛ برای این‌که حقیقت وجود رابط به دو طرف است و اگر دو طرف در عالم خارج موجود باشد، وجود رابط نیز در عالم خارج موجود خواهد شد و اگر در ذهن باشند وجود رابط نیز در ذهن موجود است.

اشکال اول مرحوم آقای خوئی (رحمه‌الله) این بود که ایشان وجود رابط را در خارج انکار نموده و می‌گوید هر چند امکان دارد وجود رابط را در قضایا و برای حمل محمول بر موضوع را بپذیریم، اما در عالم خارج نیازی به آن نداریم و عرض، عارض این معروض است.

اقوال در نسبت بین موضوع و محمول

هر چند مرحوم اصفهانی (رحمه‌الله) در کتاب «نهایة الدرایة» بین وجود در ذهن و خارج تفصیل نداده و می‌فرماید حقیقت معانی حرفیه سنخی از وجود رابط و متقوم به دو طرف است، اما استدلال ایشان برای اثبات وجود رابط عام است؛ به این بیان که ایشان می‌فرماید: گاهی اوقات یقین به جوهر و عرض داریم. اما زمانی‌که شک در عروض این عرض بر معروض داشته باشیم، هم در عالم خارج و هم در ذهن می‌تواند معنا داشته باشد.

از طرف دیگر ایشان در کتاب «الاصول علی النهج الحدیث» می‌فرماید: وجود رابط بین مفاهیم در عالم ذهن، مانند وجود رابط در عالم خارج بین جوهر و عرض است.[2]

اما اساس کلام فلاسفه ناظر به خارج است و آن‌ها نظری به عالم ذهن ندارند. بله فلاسفه از منطق عبارات را به فلسفه آورده‌اند و

منطقیین می‌گویند بین موضوع و محمول در ذهن نسبت وجود دارد یا خیر؟! اما فیلسوف می‌گوید موجودات در عالم خارج چهار نوع هستند: الف- اقوی مراتب وجود الله تبارک و تعالی است. ب-جوهر ج- عرض د- وجود رابط.

خلاصه این‌که در مورد وجود رابط چهار قول و احتمال وجود دارد:

الف- مشهور فلاسفه و منطقیین: وجود رابط هم در عالم ذهن و هم در عالم خارج –نسبت بین موضوع و محمول در قضیه- وجود دارد.

ب- مرحوم خوئی(رحمه‌الله): وجود رابط در عالم خارج وجود ندارد اما در عالم ذهن چنین وجودی موجود است.

ج- مرحوم امام خمینی(رحمه‌الله): عکس قول سابق یعنی ایشان نسبت در قضایا و امر سومی علاوه بر موضوع و محمول در قضایا به صورت کلی وجود ندارد و قضایا مرکب از موضوع و محمول هستند اما ایشان وجود رابط در عالم خارج را قبول دارد.

د- وجود رابط نه در عالم خارج و نه در عالم ذهن موجود نیست.

تا اینجا ظاهراً فرمایش مرحوم آقای خوئی (رحمه‌الله) صحیح است؛ یعنی در عالم خارج وجود رابط نداریم و استدلال مرحوم اصفهانی (رحمه‌الله) مخدوش است؛ به این بیان که خطاب به منطقیین یا فلاسفه می‌گوئیم به چه دلیل می‌گوئید اگر قضیه سه رکن داشت باید در عالم خارج نیز سه رکن و ما بازاء داشته باشد؟!

اما در قضایا بین دو مفهوم و در عالم ذهن نیاز به نسبت و وجود رابط داریم که در فارسی از آن به «است» تعبیر می‌شود.

کلام مرحوم صاحب منتقی الاصول (ره) در بررسی کلام مرحوم محقق خوئی(ره)

مرحوم محقق خوئی (رحمه‌الله) در اشکال دوم فرمود: بر فرض که وجود رابط را در عالم خارج بپذیریم، اما راه یافتن وجود خارجی و ذهنی به موضوع له الفاظ صحیح نیست.

برای این‌که اگر وجود خارجی بخواهد در موضوع له لفظ بیاید، واضع باید او را در ذهن بیاورد و واضع نمی‌تواند خارج از این لحاظ که خارج است را در ذهنش احضار کند. و اگر همان وجود ذهنی را بخواهد قرار بدهد «المماثل لا یقبل المماثل». در حالی‌که مرحوم اصفهانی (رحمه‌الله) می‌فرماید موضوع له حروف وجود رابط است.

مرحوم صاحب منتقی الاصول (رحمه‌الله) در اشکال به مرحوم آقای خوئی (رحمه‌الله) می‌فرماید: مسئله «المقابل لا یقبل المقابل» و «المماثل لا یقبل المماثل» در باب مفاهیم اسمیه است اما در باب حروف چنین چیزی مطرح نیست و مرحوم اصفهانی (رحمه‌الله) در باب حروف ملتزم شده‌است که وجود ذهنی موضوع له است.[3]

بررسی کلام مرحوم صاحب منتقی الاصول(ره)

ظاهراً این اشکال وارد نیست زیرا اولاً این مطلب با مبنای مرحوم اصفهانی (رحمه‌الله) سازگاری ندارد برای این‌که ایشان فرمود: وجود خارجی و ذهنی مطلقاً در دایره موضوع له نمی‌آیند.

ثانیاً استدلال «المقابل لا یقبل المقابل» و «المماثل لا یقبل المماثل» اختصاصی به مفاهیم اسمیه ندارد و در معانی حرفیه نیز جاری می‌شود.

اما اشکالی که نسبت به کلام مرحوم محقق خوئی (رحمه‌الله) به ذهن می‌رسد این است که مرحوم اصفهانی (رحمه‌الله) قصد نداشتند وجود اعم ذهنی و خارجی را جزء موضوع له قرار بدهد، بلکه ایشان فرمود حقیقت معنای حرفی از سنخ وجود رابط است و تنها با وجود دو طرف محقق می‌شود.

ادامه بیان اشکالات مرحوم صاحب منتقی الاصول(ره)

مرحوم محقق خوئی (رحمه‌الله) در اشکال سوم فرمود: اگر از دو اشکال گذشته صرف نظر نمائیم، مواردی وجود دارد که حروف استعمال می‌شوند اما در عین حال وجود رابط محال است.

مثلاً در جایی که صفتی را به خدای تبارک و تعالی نسبت می‌دهیم و می‌گوئیم «القدرة لله» استعمال کلمه «لام» در اینجا با استعمال آن در قضیه «القدرة للانسان» تفاوتی ندارد و هر دو حقیقی هستند؛ اما نسبت به خداوند متعال حکایت از وجود رابط معنا ندارد برای این‌که در عالم خارج بین صفت و وجود خدای تبارک و تعالی وجود رابط قابل تصور نیست.

مرحوم صاحب منتقی الاصول (رحمه‌الله) در اشکال به مرحوم آقای خوئی (رحمه‌الله) می‌فرماید: مراد مرحوم اصفهانی (رحمه‌الله) وجود رابط در ذهن است؛ یعنی کلمه «لام» در ذهن بین مفهوم قدرت و الله نقش وجود رابط را ایفا می‌کند نه در خارج.[4]

بررسی کلام مرحوم صاحب منتقی الاصول(ره)

با توجه به مطالب گذشته روشن می‌شود که این اشکال نیز به مرحوم آقای خوئی (رحمه‌الله) وارد نیست به این جهت که اولاً ما در تحلیل کلام مرحوم اصفهانی (رحمه‌الله) در کتاب نهایة الدرایة گفتیم ایشان وجود را منحصر به ذهن ننموده و تفصیلی بین ذهن و خارج نداده‌است.

ثانیاً ایشان نمی‌گوید وجود رابط جزء موضوع له است، بلکه حرف در اینجا صرفاً برای ایجاد ربط بین مفاهیم می‌باشد و در مثال مذکور به این جهت که می‌دانیم وجود رابط در عالم خارج بین قدرت و خداوند متعال معنا ندارد و معقول نیست و قدرت عین ذات خداوند است، در نتیجه وجود رابط در اینجا تنها در ذهن معنا دارد، نه این‌که بگوئیم مدعای مرحوم اصفهانی(رحمه‌الله) تنها وجود ذهنی است.

بازگشت به بیان کلام مرحوم خوئی(ره)

اشکال چهارم: مرحوم آقای خوئی (رحمه‌الله) می‌فرماید: اگر مرحوم اصفهانی (رحمه‌الله) بخواهد از راه حکمت وضع وارد شده و بگوید حکمت وضع اقتضا نمی‌کند که حروف را تنها برای وجودات رابط و نسبت‌ها قرار بدهیم، باید بگوئیم موضوع له حروف معنایی است که در جمیع موارد استعمال صحیح باشد و قول مرحوم اصفهانی (رحمه‌الله) در جایی صحیح است که نسبت ممکن باشد.[5]

ظاهراً این بیان نیز صحیح نیست و کشف از این دارد که برداشت مرحوم آقای خوئی (رحمه‌الله) از کلام مرحوم اصفهانی

(رحمه‌الله) این است که ایشان وجود رابط را جزء موضوع له معنای حرفی می‌داند؛ لذا می‌فرماید این قول در جایی صحیح است که وجود رابط ممکن باشد و آن هم تنها بین جوهر و اعراض است. در حالی‌که مرحوم اصفهانی (رحمه‌الله) نمی‌گوید وجود رابط جزء موضوع له معنای حرف است.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرین

---

[1] نهاية الحكمة، چاپ جامعه مدرسين (تک جلدی)، ص 29.

[2] «الفصل الثاني: في تحقيق المعاني الحرفيّة و المفاهيم الأدَوِيَة حتى يعلم بها حال النسب الإنشائيّة التي هي مفاد الهيئات...» بحوث في الأصول، ج1، ص: 24.

[3] «أما الأول: فلان امتناع وضع اللفظ للموجود مما أسسه المحقق الأصفهاني و التزم به و قربه بما تكرر من: «ان المقابل لا يقبل المقابل و المماثل لا يقبل المماثل». إلا ان ذلك يختص بالأسماء دون الحروف، فانه التزم بكون الموضوع له فيها هو الوجود الذهني، و الإيراد المزبور يدفع بما أشرنا إليه من أن دلالة الحروف و حكايتها تختلف عن دلالة الأسماء، فانها من قبيل دلالة المماثل على المماثل، فلا يرد فيه المحذور.» منتقى الأصول، ج1، ص: 107 و 108.

[4] «و اما الثاني: فلأنه يبتني على أخذ الموضوع له هو الوجود الخارجي، و قد عرفت خلافه و ان الموضوع له هو الربط الذهني فلا يرد عليه الإشكال، لأن عروض النسبة بين الذات المقدسة و الوجود انما يستحيل في الخارج، و أما في الذهن و عروضها بين المفاهيم المتصورة عنهما، فلا امتناع فيه. و الربط الذهني قوامه بالمفاهيم لا بالوجودات الخارجية.» منتقى الأصول، ج1، ص: 108.

[5] «ومن هنا يظهر: أنّ حكمة الوضع لا تدعو إلى وضع الحروف لتلك النسب، وإنّما تدعو إلى وضعها لما يصح استعمالها فيه في جميع الموارد. فهذا القول لو تمّ فانّما يتم في خصوص الجواهر والأعراض، وما يمكن فيه تحقق النسبة بمفاد هل البسيطة، وأمّا في غير تلك الموارد فلا.» محاضرات فی أصول الفقه (طبع موسسة احياء آثار السيد الخوئي)، ج1، ص: 80.